349464 ـ دختری طالب علم است که میان طلب علم و آموزش به مردم متردد است و خواهان نصیحت است

سوال

دختری بیست ساله و طالب علمی کوچک و حافظ قرآنم. دو سال می‌شود از شهر ریاض به شهر کرک نقل مکان کرده‌ام و جهلی که در آنجا می‌بینم و ضعف داوری بردن به شریعت بسیار ناراحتم می‌کند، از این رو منزوی شدم و به کسب علم شرعی مشغول شدم. بسیاری از معلمان و دوستانم در ریاض مرا به سبب این عزلت سرزنش می‌کنند و تشویقم می‌کنند برای آموزش مردم از خانه بیرون بروم و با آنها نشست و برخاست کنم. آنان مدعی‌اند که من توانایی رساندن علم به شکل مؤثر را دارم اما من از صدرنشینی و در معرض قرار گرفتن زودهنگام و کمبود توشۀ علمی‌ام و نبود یک نصیحت‌گر است که به کار من نظارت داشته باشم و اگر اشتباه کردم کارم را تصحیح کند می‌ترسم و بیم دارم که جامعه بر روی من اثر بگذارد و پایدار نمانم و خیلی می‌ترسم که شیطان مرا با خود ببرد و به خداوند چیزی را نسبت دهم که از روی علم نیست و یا دچار خودپسندی و ریا شوم. لطفا مرا نصیحت کنید.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

خواهر گرامی

مسلمان وقتی فرصت ارشاد مردم به سوی خیر و آموزش آنچه خداوند به او یاد داده را یافت این فرصت را با موانع درونی از دست نمی‌دهد و نمی‌گذارد که وسواس او را از دروازه‌های خیر باز دارد. او آموزش و ارشاد را یک جایگاه اجتماعی نمی‌بیند که از فتنه‌اش بترسد و آموزش را عرصه‌ای بسیار پیچیده نمی‌بیند که از موانعش بترسد، بلکه آموزش خیر به مردم را باید به عنوان یک تکلیف و مطلب شرعی ببیند که عالم نباید از آموزش جاهل بگریزد.

و این از جملۀ تکالیف شرعی است که مسلمان بر حسب توانش انجام می‌دهید و الله هیچکس را جز به اندازۀ توانش تکلیف نمی‌دهد، بنابراین مسلمان به دیگری هر آنچه می‌داند را یاد می‌دهد و هرگاه چیزی را ندانست، می‌گوید: الله اعلم.

آنکه حافظ کتاب الله است در راه حفظ دیگران مشغول می‌شود و کسی که همۀ فقه را نخوانده اما کتاب عبادات را خوانده به آموزش همان کتاب عبادات اکتفا می‌کند و دیگر ابواب را درس نمی‌دهد و اصحاب پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ نیز اینگونه بودند.

از عبدالله بن عمرو روایت است که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «از من برسانید اگرچه یک آیه باشد و از بنی‌اسرائیل نقل کنید و اشکالی ندارد، و آنکه بر من به عمد دروغ ببندد جایگاهش را در آتش مهیا سازد» به روایت بخاری (۳۴۶۱).

و از مالک بن حُوَیرِث روایت است که گفت: همراه با گروهی از قوم خود به نزد پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ آمدیم و بیست شب نزد او ماندیم. ایشان مهربان و نرم‌خو بود، هنگامی که شوق ما به خانواده‌هایمان را دید فرمود: «برگردید و نزد آنان باشید و یادشان دهید و نماز بگزارید، پس چون وقت نماز شد یکی از شما برایتان اذان گوید و بزرگترینتان امام شود» به روایت بخاری (۶۲۸) و مسلم (۶۷۴).

آموزش یکی از بزرگترین ابواب خیر است و طالب علم نباید این باب را اگر امروز برایش گشوده شده به فردا موکول کند، چه بسا فردا موانعی در برابرش قرار گیرد و اجر عظیمی را که خداوند برای معلم خیر وعده داده از دست بدهد.

از ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ روایت است که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «هرکس به هدایتی فرا بخواند برایش مانند پاداش کسانی که از او پیروی کرده‌اند خواهد بود و این از پاداش آنان چیزی نمی‌کاهد...» به روایت مسلم (۲۶۷۴).

و از ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ همچنین روایت است که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «هرگاه انسان بمیرد عملش از او قطع می‌شود مگر از سه راه: جز از صدقهٔ جاریه‌ای که به جا گذاشته یا علمی که از آن سود برده می‌شود و یا فرزند صالحی که برایش دعا می‌کند» به روایت مسلم (۱۶۳۱).

شیخ عبدالعزیز بن باز ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«طالب علم دو امر علم و دعوت و عمل و اصلاح میان مردم و نصیحت را یکجا می‌سازد و در یک حد خاص توقف نمی‌کند. اما به اندازهٔ توانش، به شکلی که او را از واجب مشغول نسازد این کار را انجام می‌دهد، زیرا او طالب علم است و دعوتگر به سوی الله است و همچنین نصیحتگر و معلم هم است. او مصلحی است در میان مردم که آثار نیکی خواهد گذاشت. طالب علم به خصوص دانشجوی دانشکدهٔ شریعت و اصول دین یا طالب حلقه‌های علمی مشایخ، باید همتش والا باشد و به بهای رها کردن یک چیز، چیز دیگر را نگیرد بلکه در راه هر خیری بر حسب علم و قدرتش تلاش کند، بنابراین همراه با مصلحان و همراه با دعوتگران و معلمان و ناصحان و آمران به معروف و ناهیان از منکر باشد. صحابه و تابعان نیک آنان چنین بودند و به هر راهی که سود مردم در آن بود وارد می‌شدند و در هر کاری که خیر مردم در آن بود تاخیر نمی‌کردند» (مجموع الفتاوی ومقالات الشیخ عبدالعزیز بن باز: ۲۴/ ۲۴).

والله اعلم.